

"توافق نامه فی مابین" کافی نیست!

"ورود قوای نظامی به محیط کار ممنوع!"

"دخالت نیروهای نظامی در مناقشه کارگر و کارفرما ممنوع!"

مجید محمدی

برای چندمین بار در ماههای اخیر تظاهرات اعتراضی کارگران با یورش نیروهای نظامی مواجه شد. این بار هدف یورش، تظاهرات اعتراضی کارگران کارخانه بارش در روز یکشنبه (۱۶ اردیبهشت) در شهر اصفهان بود. این پدیده که نیروهای نظامی به کارگرانی که خواستار پرداخت حقوق معوقه خود هستند حمله میکنند، با توسل به خشونت تظاهرات اعتراضی را برهم میزنند، تعدادی را زخمی میکنند و رهبران و فعالین اعتراض و تظاهرات را دستگیر میکنند دارد به جزیی "عادی" از حوادث اجتماعی-سیاسی در ایران تبدیل میشود. اگر سالها پیش توجیه رژیم برای اخراج، دستگیری، حبس و اعدام فعالین کارگری "کشف خانه‌های تیمی" بود امروز با یورش نیروهای نظامی به تظاهرات اعتراضی و دستگیری کارگرانی که دستمزدهای معوقه خود را طلب میکنند بیشتر از هر وقتی برای عموم عیان میشود که آن فعالین نیز تاوان دفاع از منافع و حقوق کارگری را پرداختند (یاد فعالین کارگری جانباخته گرامی باد!)

حتی اگر فرض بگیریم که "شهروندان ایرانی" در یک جامعه سرمایه‌داری زندگی نکرده و جامعه نیز همانند حکومتگران آن به "دوران صدر اسلام" باز گشته است باید اذعان کرد که در مورد کارگران حتی قوانین "بیع" و "کارپذیری و حق‌السعی" نیز اجرا نمیگردد. آخر کدام سرمایه‌دار و تاجری امروز حاضر است کالایش را مجانی به مشتریان خود بفروشد؟ آخر با کدام منطق، کدام قانون، کدام توجیه کارگری که زور بازو و نیروی کارش را چند ماه و در مواردی بیش از یکسال پیش فروخته، حاصل کارش کالا شده، کالای تولیدی فروخته شده، پول حاصل از فروش آن وصول شده امروز هنوز پول کالای فروخته شده خود را دریافت نکرده است، تازه وقتی همین کارگران پس از ماهها اعتراض و بی نتیجه ماندن وعده‌های سر خرمن کارفرما به تظاهرات مسالمت آمیز در خیابانها دست میزنند تا درد خود را بگوش دیگران برسانند به عنوان مجرمین مورد حمله نیروهای نظامی قرار میگیرند، زخمی و زندانی میشوند. آش آنقدر شور است که صدای "کانون سراسری شوراهای اسلامی کار" نیز در میاید و به دخالت نیروهای نظامی اعتراض میکند. صحبت و اعتراض خانه

کارگريها و كانون شوراهای اسلامی این است که نیروهای نظامی به "توافق نامه فی مابین میان وزارت کشور و وزارت کار" واقعی نگذاشته‌اند. اعتراض امروز خانه کارگريها بوضوح نشان می‌دهد که پافشاری فعالین رادیکال جنبش کارگری بر خواست "ورود قوای نظامی به محیط کار ممنوع!" و "عدم دخالت نیروهای نظامی در مناقشه میان کارگر و کارفرما!" در مقایسه با رضایت به "توافقات پشت پرده وزارت خانه‌های دولت" تنها سیاست شفاف و درست بوده است. حرف کارگران این است که این خواستها باید به مصوبه قانونی تبدیل شود تا کل دولت، قوای سه گانه و نهادهای وابسته به آن لااقل در جلو چشم شهروندان تعهد خود را به عملی نمودن این خواستها اعلام کنند. توافق پشت پرده میان دو وزیر برای گریز از گسترش اعتراضات کارگری آن هم در مملکتی که معاون وزارت کشور خود کوچکترین تامین حقوقی ندارد و وادار به استعفا از سمت خود میشود بیشتر از هر چیز درجه تعهد خانه کارگريها به عملی شدن واقعی جلوگیری از دخالت و ورود نیروهای نظامی در میان کارگران است. حرف کارگران این است همین امروز حضور نیروهای نظامی در برخی از مراکز کار غیر قانونی است و این نیروها باید سریعاً این مراکز را ترک کنند. انتظامات مراکز تولیدی که نیاز به حفاظت دارند باید توسط پرسنل رسمی کارخانه انجام گیرد. ورود قوای نظامی به محیط کار باید ممنوع شده و به مصوبه مجلس تبدیل شود. در عین حال باید با صراحت تصریح شود که نیروهای نظامی حق دخالت در مناقشه میان کارگر و کارفرما را ندارند.

خواست "ورود قوای نظامی به محیط کار ممنوع!" فقط امر کارگرانی که به عدم پرداخت حقوق معوقه معترض‌اند، نیست. این خواست و امر تمام کارگران ایران است و باید به یکی از شعارهای محوری و سراسری در این دوره تبدیل شود. این خواست حتی فقط امر کارگران ایران نیست بلکه تمام شهروندان ایرانی در تحقق آن ذینفعند. تمام نیروها و جریانهایی که در این دوره گسترش آزادیهای دموکراتیک و حقوق شهروندی را امر خود میدانند باید به صراحت از این خواست کارگران دفاع کنند. خواستهایی از این قبیل در عین حال شاخص منصفانه‌ای برای سنجش درجه آزادیخواهی نیروها و جریانهای اجتماعی و سیاسی و معیار مناسبی برای تشخیص درجه نزدیکی و دوری یک جامعه به یک جامعه دموکراتیک و تامین کننده حقوق ابتدایی شهروندان خود میباشد.